

*Two seasons of a promotion,
The Quran and Science studies*

*Vol.1, No. 1,
spring& Summer 2017*

P 31 - 60

دو فصل نامه علمی-تخصصی

مطالعات قرآن و علوم

س ۱ ش ۱ بهار و تابستان ۱۳۹۶

صفحات ۳۱ تا ۶۰

نقد و بررسی کتاب «اصول الاداره من القرآن و السنه»

صفرمراد حسین اف* دکتر حسن عابدی جعفری**

چکیده

در پژوهش‌های مدیریت از نظر قرآن به این نتیجه می‌رسیم که قرآن کریم راهنمای‌های مفید در رابطه با مدیریت را قبل از پیدایش علم مدیریت نوین بیان کرده است. یافته‌های آیات مدیریتی، قابل شرح و تبیین بیشتر بوده و با دقت در همه قرآن و صدر و ذیل آیات، مطالب دقیقتر مدیریتی قابل کشف و تبیین می‌باشد.

نگارش‌های تدوین‌یافته در راستای مدیریت قرآنی قابل نقد و بررسی از نظر قوت و ضعف‌های آنها از جهت ساختاری، روشی و محتوایی می‌باشد و معمولاً اینگونه نگارشها به روش کیفی انجام می‌گیرد.

یافته‌های ناقد و ارزیاب بعد از مطالعه کل کتاب، در نقدهای کلی بر تمام کتاب و بررسی بیشتر محتوای دو بخش اول تحت عناوین تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی صورت گرفته است. کتاب ضمن داشتن امتیازات فراوان، نیاز به بررسی و ارزیابی بیشتر را دارد. کتاب در پنج مرحله مورد ارزیابی قرار گرفته و نقد درون متنی کتاب مورد تأکید بیشتر قرار گرفت. شش مورد از نمونه‌های کتاب، نقد درون متنی و برون متنی آنها بیان گردیده و برای تکمیل بحث، نمونه‌های بیشتر پیشنهاد گردید.

واژگان کلیدی: قرآن، مدیریت، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، شوری، اهداف.

* دانش آموخته دکتری قرآن و علوم گرایش قرآن و مدیریت مجتمع آموزش عالی امام خمینی(ره) جامعه

المصطفی(ص) العالمیه، ۰۹۳۷۱۶۳۵۵۱۷-Tel: ۰۹۳۷۱۶۳۵۵۱۷@E:ozodi۱۹۸۰@mail.ru

** استاد یار و عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

مقدمه

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل/۱۲۵)

بررسی و نقد کتب و مقالات علمی با رویکرد تقویت بنیه علمی پژوهشگران، امری لازم و ضروری برای پژوهشگران و ناقدان بوده و باعث تلاش بیشتر آنها می‌گردد.

این نوشتار به بررسی و نقد دو بخش اول از کتاب «اصول الادارة من القرآن و السنة» نوشته جمیل جودت ابوالعینین می‌باشد که بررسی قسمت آیات این دو بخش را شامل می‌شود.

در بررسی و نقد کتاب از روش و مدل پنج مرحله‌ای زیر: توصیف کلی: از نظر: عنوان کتاب، مشخصات مؤلف، جایگاه و رتبه علمی مؤلف، ساختار کلی کتاب، بخشهای اصلی کتاب. نقد و بررسی ساختاری کتاب: در دو قسمت نقاط قوت و امتیازات ساختاری کتاب و نقاط ضعف و محدودیتهای احتمالی کتاب. نقد و بررسی روش شناختی: در دو قسمت نقاط قوت روش شناختی کتاب و نقاط ضعف محدودیتهای روشی کتاب. نقد و بررسی محتوایی: در دو قسمت نقاط قوت و نقاط ضعف محتوایی کتاب. و پیشنهادها: جهت اصلاح و توسعه کتاب، پیشنهادهایی در سه عرصه ساختاری، روشی و محتوایی ارائه گردیده است.

همچنین سعی گردیده است تا از روش نقد و بررسی برون متنی و درون متنی هم استفاده شود و این روش در قسمت استدلالهای قرآنی مؤلف مورد توجه ناقد قرار گرفته است.

در بخش توصیف کلی کتاب، بعد از معرفی اجمالی مؤلف و کتاب، به صورت کلی همه کتاب مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف تمام کتاب از جهت ساختاری مورد بررسی قرار گرفته است. مطالب کتاب به صورت گزارشی و

خلاصه بیان شده و تنها موارد لازم و قسمت آیات مورد بررسی قرار گرفته و شامل مقدمه مؤلف، درآمد در رابطه با مدیریت و بخش اول کتاب (تصمیم گیری) و دو فصل از بخش دوم کتاب (برنامه ریزی) را شامل می شود.

توصیف کلی و ساختاری کتاب و مؤلف

(۱-۱) مشخصات کتاب

عنوان: «اصول الاداره من القرآن و السنه»

تألیف: جمیل جودت ابوالعینین

چاپ و انتشار: دارالبیجار؛ دار و مکتبه الهلال، چاپ اول لبنان، بیروت ۲۰۰۲، ۳۸۳

صفحه.

تقریظ:

استاد دکتر محمد عبدالله المهدی البدری، مشاور فرهنگی در دیوان عجمان و

رئیس دانشکده عربی

استاد دکتر محمد محمد ناشد، رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه حلب

(۲-۱) بخش های کتاب

(۱-۲-۱) مقدمه مؤلف بر کتاب

مؤلف بعد از حمد و ثنای خداوند و درود بر پیامبر(ص) و اشاره به نظام کامل

اسلام که اداره دولت و مباحث دینی را شامل می شود، اشاره ای به شمولیت تعالیم

اسلام که با اصول و مبانی اساسی برای بیشتری از نظام های سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی، اداری و غیره از نیازمندیهای حیات انسان را شامل می شود، نموده اند.

بعد از اشاره به پیدایش علم مدیریت در میان دانشمندان غرب، پیشگامی اسلام را

در این امر اشاره نموده و با تأسف ابراز می دارد که علمای اسلام نتوانستند آن را

استفاده نمایند و آن را از علمای شرقی و غربی غیر مسلمان اخذ می کنند.

بنابراین لازم است که ما مدیریت اسلامی را به اصل خودش برگردانده و مدیریت را از نگاه اسلام بیان نماییم.

از طرف دیگر، مدیریتی مؤثر و کارآمد است که با بنیانها و مبادی و اصول راسخ پایه‌ریزی شده باشد که پایه‌های این علم در اسلام از راسخیت کامل برخوردار است. و این امر را باید با عقیده اسلامی پیوند داد که قرآن کریم و سنت نبوی(ص) دو اصل اساسی برای تشریح دین مبین اسلام هستند. این آن دفاعیاتی است که ما برای بحث مدیریت اسلامی اختیار نموده و اصول و مبانی علمی و تحلیل آن را از قرآن کریم و سنت نبوی(ص) اخذ کرده‌ایم.

بنابراین ما بحث مدیریت را با آوردن دلایل از قرآن یا سنت و یا هر دوی آنها استفاده می‌نماییم(جمیل جودت، اصول الاداره من القرآن و السنة، ۲۰۰۲م: ص ۱۵).

۱-۲-۲) فهرست مطالعه کتاب

بحث کتاب از یک درآمد و پنج باب تشکیل شده است.

در درآمد مطالب زیر اشاره شده است:

۱- اشاره به مفاهیم مدیریت در طول تاریخ که از قدما مانند: مصریها، سامرائیان، چینیها، بابلیان و مدیریت در قرون وسطی و در آخر مفاهیم مدیریت در عصر جدید و بعد از انقلاب صنعتی و خاتمه این قسم با بیان این مطلب که قرآن کریم مصدر تشریح اول برای دین اسلام است.

۲- ماهیت مدیریت و تعریف آن، برای رسیدن به تعریف مدیریت اسلامی که مستند به قرآن و سنت است و پاسخ به این سؤال که آیا مدیریت اسلامی علم است یا هنر و یا ...؟

باب اول: تصمیم‌گیری؛ تصمیم‌گیری به جهت ارتباط فعالش با دیگر بخشهای چهارگانه مدیریت (برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری و کنترل و نظارت) در اولین باب قرار گرفته است. در این باب به: مفاهیم تصمیم‌گیری، انواع مشکلاتی که

لازم به تصمیم‌گیری دارند، ماهیت تصمیم‌گیری رشید، تفکر و اندیشه منطقی برای تصمیم‌گیری و شورا و نقش آن در تصمیم‌گیری، اشاره شده است که همه این مباحث در سایه قرآن و سنت نبوی بحث شده اند.

باب دوم: برنامه ریزی؛ این باب به سه فصل تقسیم شده است. فصل اول: مقدمه در مفهوم برنامه‌ریزی، مفهوم و معنای اهداف و مفهوم سیاست و خط مشی ها.

فصل دوم: پیشینی، بودجه بندی و اهمیت آن، و بودجه بندی پیشرفته.

فصل سوم: اجرا و برنامه های زمانی، مفهوم عملیات و فائده های آن، برنامه های زمانی، فرایندهای لازم برای عمل و اجرای برنامه‌ریزی.

باب سوم: سازماندهی؛ ضمن دو فصل بحث شده است.

فصل اول: ساختار سازماندهی، مفهوم سازماندهی، عناصر سازماندهی، تعیین وظایف و مقامات (پستها)، معنا و مفهوم مسئولیت و مقامات، تفویض امور، انواع گوناگون مقامات، سلسله مراتب، دامنه نظارت.

فصل دوم: توسعه ساختار اداری، صفات عمومی مدیران، تعیین پستهای سازمانی مدیران و سازماندهی مجدد.

باب چهارم: هدایت؛ این باب به سه فصل تقسیم شده است.

فصل اول: مفهوم و تعریف هدایت.

فصل دوم: ارتباطات، مفهوم و تعریف ارتباطات، هدف از ارتباطات، وسائل

ارتباطی، عناصر ارتباطات و فرایند و اعتبارات لازم برای ارتباطات. ۳۵

فصل سوم: رهبری و ایجاد حالت معنوی در سازمان. مفهوم و معنای رهبری،

فرق بین رهبری و مدیریت، همکاری اختیاری و بالا بردن حالت معنوی از راه رهبری، بعضی از صفات مدیران برای ایجاد حالت معنوی در سازمان.

باب پنجم: کنترل و نظارت؛ در ضمن دو فصل بررسی شده است.

فصل اول: مفهوم و معنای نظارت، اهمیت نظارت، هدف از نظارت، انواع گوناگون نظارت.

فصل دوم: مراحل نظارت، راه رسیدن به انحرافات از طریق نظارت.

۱-۳) مشکلاتی که در نگارش کتاب پیش رو بودند و راه حل آنها

اولین مشکل این نبودن منابع کافی در موضوع یعنی مدیریت از نگاه قرآن و سنت بود، ولی از جهت منابع مدیریت علمی امروزی، کتابهای ترجمه شده و لاتین فراوان بود.

بنابراین از معجم المفهرس قرآن و تفاسیر مشهور در کشف مبانی اصول مدیریت قرآنی از خلال آیات قرآن پرداختم. همچنین برای احادیث نبوی هم به همین صورت با مراجعه به معجم المفهرس الفاظ حدیث و کتب صحاح معروف مراجعه کردم. اما در راه به دست آوردن اصول و شاکله بحث از کتب مدیریت علمی تخصصی روز استفاده نمودم (جمیل جودت، اصول الاداره من القرآن و السنه، ۲۰۰۲م: صص ۱۵-۱۹).

درآمد

درآمد اول: مفاهیم مدیریت در طول زمان

مفاهیم مدیریت نزد قدما: اشاره به وجود مدیریت از هنگام خلقت آدم و اشاره کتب آسمانی در این زمینه. مانند اشاره قرآن کریم به قوم سبأ در یمن «لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُّ لَوْأٍ مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ» (سبأ/۱۵) «بیقین برای (مردم) «سبأ» در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت خدا) بود: دو باغستان از راست و چپ، (و به آنان گفتیم:) «ازروزی پروردگارتان بخورید و سپاس او را بجا آورید (این) شهری پاکیزه و پروردگاری بسیار آمرزنده است».

آیه اشاره به زراعت کاری قوم سبأ و باغ پروری آنها که همیشه در کار خودشان موفق بوده اند، دارد و این نشانه اداره آنها در کارهایشان می باشد.

اشاره به داستان انبیائی که مدیریت کرده‌اند از جمله حضرت موسی(ع) و یوسف(ع) که بخش مالی مصر را اداره نموده است و نحوه اداره حضرت سلیمان(ع) که در قرآن بیان گشته است.

اشاره به تمدن فرعونیان در مصر، سمورائیان، بابلیان، تمدن چینیه و تمدن هندیها و رومیان که به صورت مکتوب و غیر مکتوب به ما رسیده است.

مفاهیم مدیریت در قرون وسطی

مفاهیم مدیریت در عصر جدید و بعد از انقلاب صنعت

قرآن کریم مصدر همه علوم: مؤلف با نقل آیاتی که دال بر وجود همه علوم در قرآن دارند، و نقل حدیثی از حضرت علی(ع) وجود همه علوم اولین و آخرین را در قرآن کریم معتقد بوده و با نقلی از قاضی ابوبکر بن عربی در قانون تأویل که می گوید: در قرآن ۷۷۴۵۰ علم وجود دارد که اگر ما همه علوم را که بشر از بدو خلقت به دست آورده است، احصا کنیم به یک دهم آن نمی رسد. و این بیانگر آن است که در قرآن علمی هست که هنوز بشر به آن دست نیافته است. بنابراین سزاوار است علمای اسلام به دنبال تفکر در این کتاب مقدس باشند تا همه احتیاجات خود را به دست آورند.

درآمد دوم: ماهیت و مفهوم مدیریت

با اشاره به آیه شریفه «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُنَّ لِمَ مَعِيشَتَهُنَّ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُنَّ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْعَلُونَ» (زخرف/۳۲) «... ما وسایل زندگی آنان را در زندگی پست (دنیا) بین آنان تقسیم کردیم و رتبه‌های برخی آنان را بر برخی [دیگر] برتری دادیم، تا برخی آنان برخی [دیگر] را به خدمت گیرند و رحمت پروردگارت از آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است.»

لزوم مدیریت را از منظر قرآن کریم به دست آورده و اشاره به دو گروه بودن انسان‌ها می‌کند که یک گروه مدیران و یک گروه کارمندان هستند.

تعریف مدیریت: اشاره به این نکته که تعریف مدیریت از تعاریفی است که میان هیچ یک از دانشمندان اتفاق نظر وجود نداشته و به تعداد دانشمندان تعریف از مدیریت هست. بعد به تعدادی از تعاریف ارائه شده پرداخته و از آنها نکاتی را بیان می کند از جمله:

۱- تعریف خاصی از مدیریت وجود نداشته و به تعداد کتب و دانشمند مدیریت، تعریف وجود دارد؛

۲- برخی تعاریف به عناصر مدیریت اشاره نموده و برخی هم به وظایف آن اشاره کرده اند؛

۳- همه تعاریف در بر گیرنده و وجود هدف مشترک در مدیریت هستند؛

۴- مدیریت برای اجتماع است نه برای فرد؛

۵- مدیریت زورگویی نبوده بلکه راهنمایی دیگران است.

اما از تعاریف داده شده وظایف چهارگانه مدیریت را به دست می آورد و در آخر آن را به این صورت تعریف می کند: «مدیریت فعالیتی است که از طریق آن اهداف به واسطه دیگران به دست آمده و این کار از راه برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل در سایه تصمیم گیری می باشد».

آیا مدیریت اسلامی علم است؟ یا هنر؟ و یا اعتقاد؟

مدیریت اسلامی علم، هنر و اعتقاد می باشد. اما اینکه علم است؛ شامل مجموعه ای از مبادی و نظریاتی است که در مضمون آن نظریات یک دسته از حقایق جوهری و اساسی ظاهر و نمایان می شود که اعتماد نمودن به آنها ممکن است.

اما اینکه فن و هنر است؛ به جهت اعتماد و تکیه ای است که به قدرت و استعداد شخص در به کارگیری بهترین راه و روشی که با استفاده از این امکانات، وظیفه اش را برای رسیدن به بزرگترین نتایج به خوبی انجام می دهد، می باشد.

و اما چرا اعتقاد است؟، زیرا که تمامی مبادی، قواعد و قانونهایی را که اعتماد بر آنها داریم، همگی مستند به کتاب و سنت پیامبر(ص) می‌باشند. و تمامی موهبت‌های علمی و استعداد ذاتی، خودشان را در خدمت همین مبادی و قوانین گذاشته و به علت ترس از خشیت خداوند و دوری از نواهی و پیروی از فرمانهای او برای رسیدن به نتایجی که رضایت خدا و پیامبرش و مؤمنان را در بر داشته باشد، نصب العین خود قرار می‌دهیم(جمیل جودت، اصول الاداره من القرآن و السنه، ۲۰۰۲م: صص ۲۱-۵۷).

بخش اول: اسلام و تصمیم‌گیری

مفهوم و معنای تصمیم‌گیری

ایشان بعد از تعاریف زیاد تصمیم‌گیری از نظر علم مدیریت و اندیشمندان مدیریت که در انتخاب یک بدیل از میان دو و یا چند بدیل مشترک نظر داده‌اند، معنای برگزیده از تصمیم‌گیری را چنین بیان می‌دارند:

تصمیم‌گیری، آن اساس و جوهر مدیریت بوده بلکه قلب مدیریت فعال می‌باشد، و آن از جمله ابزار کلیدی است که مدیران آن را به کار گرفته و در همه عناصر عملی اداره از برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و رهبری و کنترل به کار می‌برند.

ایشان از نعمت‌های خداوند بر ما می‌داند که هیچگاه و در هیچ یک از مراحل زندگی ما را ترک نکرده و راه را به ما نشان داده است به خصوص در رابطه با تصمیم‌گیری که نمونه‌های فراوانی از آیات قرآن در داستان پیامبران بیان شده است.

مثال اول: تصمیم‌گیری حضرت موسی(ع)

به عنوان مثال داستان حضرت موسی(ع) و سحره که قرآن می‌فرماید: «قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ قَالَ أَلْقُوا...» (اعراف/۱۱۵-۱۱۶) « (به هنگام مبارزه، ساحران) گفتند: «ای موسی! یا اینکه تو (عصایت را) می‌افکنی، و یا اینکه فقط ما (وسایل سحر را) می‌افکنیم.» [موسی] گفت: «بیفکنید!»».

در این آیه شاهد هستیم که اختیار و یا ترجیح یک بدیل از میان دو و یا بیشتر بدیل ها صورت گرفته است که سحره از حضرت موسی(ع) خواستند آنچه را نزد او است بیندازد و یا آنها آنچه را نزدشان است بیندازند، موسی(ع) با اختیار انداختن آنچه نزد آنهاست از میان دو بدیل یکی را انتخاب نمود. این نمونه ای از اختیار از میان چند گزینه بود که تصمیم گیری را به ما نشان می دهد.

مثال دوم: تصمیم گیری حضرت سلیمان(ع)

نمونه دیگر تصمیم گیری، تصمیم گیری حضرت سلیمان(ع) در رابطه با احضار تخت ملکه سبا است که مناسب ترین بدیل را از میان دو بدیل انتخاب کردند. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «قَالَ عَفْرِيْتُ مِّنَ الْجَانِّ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ...» (نمل/۳۹-۴۰) «زیرکی از جنیان گفت:» من آن را نزد تو می آورم پیش از آنکه از جایگاهت برخیزی در حالی که قطعاً من برای این (کار) نیرومندی درستکار هستم! «کسی که علمی از کتاب (الهی) نزدش بود، گفت: «من پیش از آنکه چشمت را بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!».

در این آیه نیز شاهد هستیم حضرت سلیمان(ع) از میان دو پیشنهاد که به او شده بود، پیشنهادی را پذیرفت که مناسب بود و مناسبت و ارجحیت آن هم در رابطه با زمان بود که زمان پیشنهاد شده جن قبل از تغییر مکان حضرت سلیمان بود و زمان پیشنهاد شده فرد با ایمان قبل از چشم به هم زدن بود که سریعتر از نمونه اولی بود و او این کار را انجام داد و تأیید هم شد. عنصر اصلی هم در این داستان سرعت انتقال تخت بوده است که نمونه دوم مناسب و مورد پذیرش قرار گرفت.

از دو آیه اشاره شده و دیگر آیاتی که در زمینه تصمیم گیری وجود دارد، به دست می آید که قراری که نیاز به تصمیم گیری دارد از یک شکل و یک مضمون عبارت است. اما شکل قرار آن صیغه ای است که قرار با آن صورت می گیرد که گاهی با صیغه امر، نهی و یا طلب می باشد. و اما از جهت مضمون پس آن جایگاه معین و مشخص

در مواجهه با مشکلات یا موضوع معین است که نیاز به تصمیم دارد، می باشد. بنابراین از مجموع شکل و مضمون قرار ممکن است که اقرار نماییم به اینکه: ماهیت و اصل و جوهر تصمیم گیری، آن اختیار یا برتر دانستن اختیارات برای انجام عمل معین یا به دست آوردن هدف معین یا مواجهه با پیش آمد مشخص است.

انواع مشکلاتی که نیاز به تصمیم گیری دارند.

قرار رشید (تصمیم گیری عقلایی)

تفکر منطقی و خلاق

شوری و مشورت در تصمیم گیری

مؤلف در مورد شور و مشورت فقط به چهار آیه ذیل پرداخته است (جمیل جودت، اصول الاداره من القرآن و السنة، ۲۰۰۲م: صص ۶۱-۸۲).

«... وَ شاورَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/۱۵۹) «...پس، از آنان درگذر، و برای شان آمرزش بخواه و در کار [ها] با آنان مشورت کن و هنگامی که تصمیم گرفتی، پس بر خدا توکل کن چرا که خدا توکل کنندگان را دوست می دارد».

«وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (شوری/۳۸) «و (همان) کسانی که (دعوت) پروردگارشان را پذیرفته، و نماز را بر پا می دارند و کارشان با مشورت میان (خود) شان باشد و از آنچه به آنان روزی داده ایم (در راه خدا) مصرف می کنند».

«قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُون» (نمل/۳۲) «(ملکه) گفت: ای اشراف به من در مورد کارم پاسخ دهید، که در مورد هیچ کاری (تصمیم خود را) قطعی نکرده ام، تا اینکه [نزد من] حاضر شوید».

«فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنِ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ» (صافات/۱۰۲) «و هنگامی که (پسر) به

حد [کار و] کوشش با او رسید، گفت:» ای پسرکم! در حقیقت من در خواب می بینم که من تورا سر می برم! پس بنگر چه به نظرت می رسد؟ «(اسماعیل) گفت:» ای پدرم! آنچه را مأموریت داری انجام ده، اگر خدا بخواهد بزودی مرا از شکیبایان خواهی یافت».

بخش دوم: برنامه ریزی

فصل اول: مقدماتی در مفهوم برنامه ریزی

مقدمه

از مهمترین اموری که انسان را از دیگر موجودات زنده متفاوت می سازد، این توجه انسان به آینده و تصویری از آینده و برنامه ریزی می باشد.

مفهوم برنامه ریزی

بعد از تعاریف دانشمندان به این نتیجه می رسد که برنامه ریزی: اساساً قیام و انجام کارها با آگاهی به آینده می باشد که برای تعیین اهداف از قبل تعیین شده و هماهنگ با امکانات آماده دنیایی برای رسیدن به آن در آینده است.

تبصره: برخی با توجه به تعریف برنامه ریزی آن را به سنگ اندازی به غیب (رجماً بلغیب) تعبیر کرده اند که ما به خداوند پناه می بریم. غیب را جز خدا نمی داند و مقصود ما از آگاهی از آینده گذشته خوانی و استدلال آوردن از تصویر گذشته به آنچه که در آینده اتفاق می افتد، می باشد.

بهترین دلیل برای ما در این مورد قرآن کریم است که خداوند کریم به افعال اقوامی که قبل از اسلام آمده اند استشهاد نموده تا ما از کارهای آنها پند گرفته و در منجلائی که آنها گرفتار شده اند، نشویم. قرآن کریم پر از اینگونه داستان ها می باشد.

در قرآن کریم آیات روشن زیادی به ما برنامه ریزی را آموخته و بلکه تشویق هم کرده است که از امکانات موجود برای رسیدن به اهداف از قبل تعیین شده، برنامه ریزی نماییم.

نمونه اول از آیات برنامه ریزی

خداوند سبحان می‌فرماید: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ ءَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَنْ تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...» (انفال/۶۰) «و هر چه در توان دارید، از نیرو و از اسب‌های آماده برای (مقابله با) آن (دشمن) ان، آماده سازید در حالی که بدان دشمن خدا و دشمنان و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، - که [شما] آنان را نمی‌شناسید [و] خدا آنها را می‌شناسد - بترسانید...»

گرچه آیه برای برنامه ریزی در جنگ آمده است ولی ما می‌توانیم عناصر و امور مهم برنامه ریزی کامل را از آیه به دست آوریم. در اینجا اهداف به طور دقیق تعیین شده‌اند و آن ترساندن دشمن است با امکانات موجود چه آن امکانات بشری باشند و یا امکانات مادی.

نمونه دوم از آیات برنامه‌ریزی در قرآن

برنامه ریزی اقتصادی در قرآن در سوره یوسف (ع) که قرآن کریم می‌فرماید: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سَنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِنَّهَا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلُونَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُ لَئِنْ إِذَا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ» (یوسف/۴۷-۴۸) «(یوسف) گفت: «هفت سال بر شیوه (سابق و با جدیت) زراعت می‌کنید، و آنچه را درو کردید، پس جز اندکی از آنچه می‌خورید، آن را در خوشه‌هایش واگذارید. آنگاه پس از آن، هفت (سال) سخت (خشکسالی) می‌آید، که آنچه را برای آن (سال) ها از پیش نهاده‌اید، می‌خورند، جز اندکی از آنچه ذخیره می‌کنید.»

آیه کریمه به نمونه‌ای از نمونه‌های برنامه‌ریزی اقتصادی اشاره دارد و این زمانی است که حضرت یوسف (ع) تعبیر خواب شاه مصر را نموده و خبر از هفت سال آینده با برکت در کشت و زراعت و بدنبال آن هفت سال قحطی و گرسنگی. سپس حضرت یوسف (ع) آمادگی پیشاپیش را برای آینده توصیه می‌کند که این همان هدف می‌باشد که با ذخایر غله‌ها از نتایج هفت سال آسانی برای هفت سال سختی دیگر می‌باشد.

نمونه سوم از آیات برنامه‌ریزی در قرآن

به جز دو آیه قبل، آیات فراوان دیگری در قرآن کریم هست که تشویق به برنامه‌ریزی می‌کنند. این دسته از آیات نه برای برنامه‌ریزی جنگی یا برنامه‌ریزی شهری اشاره دارند بلکه برای برنامه‌ریزی در این دنیا برای رسیدن راه آخرت و آمادگی برای آن دارند، و این‌ها نوعی از برنامه‌ریزی است که در علم مدیریت به آن برنامه‌ریزی طولانی مدت می‌گویند.

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَأَبْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ...» (قصص/۷۷) «و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بجوی، و سهم خود را از دنیا فراموش مکن ...»

این یک هدایت و راهنمایی پروردگار برای برنامه‌ریزی آخرت است که هدف در آن به دست آوردن عاقبت خوب در خانه آخرت است و این با استفاده از امکانات آماده موجود می‌باشد که خداوند به ما ارزانی داشته است.

مفهوم اهداف

اهداف آن نقطه جداناپذیر در هر برنامه‌ریزی است که ممکن نیست برنامه‌ریزی بدون هدف که برای تحققش کوشش می‌کنیم، تصور شود.

بعد از اشاره تعریف اهداف از نظر دانشمندان، تعریف اهداف را چنین می‌گوید: از تعاریف پیشین و غیر آنها که در کتب اداری آمده است که اختلاف در تعریف دارند به خاطر نامگذاری و یا اوصافی که برای اهداف گفته اند. برخی آنها را به غایات وصف کرده اند، برخی به نتیجه وصف کرده اند، برخی به فایده‌ها و دیگر الفاظ.

بنابراین اهداف عبارت است از: غایات، نتیجه‌ها و فایده‌هایی که برای رسیدن به آنها یا به دست آوردن آنها که به خاطر آنها برنامه‌ریزی قرار داده شده است و کارها برای آن معین شده اند و امکانات به آن تعلق دارند.

دین حنیف ما برای رسیدن به اهداف معین در کارهایمان ما را دعوت کرده و کوشش رسیدن به آنرا به ما آموخته است (جمیل جودت، اصول الاداره من القرآن و السنه، ۲۰۰۲م: صص ۸۵-۹۱). قرآن کریم که قانون اول ماست به ما بیان کرده است که وجود ما در این دنیا به خاطر تحقق بخشیدن به هدف معین است که آیه کریمه ۵۶ سوره ذاریات هدف خلقت ما را تعیین کرده است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶) «و جن و انسان [ها] را جز برای پرستش [خود] نیافریدم.» پس هدف از وجود ما در این دنیا عبادت خداوند است و در این هدف خیر و خوبی برای ما و منفعت ها می باشد.

۴-۱ مؤلف

جمیل جودت ابوالعینین دکترای فلسفه مدیریت کسب و کار

۱-۴-۱) وظایف و مسئولیت ها

استاد دانشگاه قدس آزاد در دبی؛

عضو هیئت علمی در دانشکده عربی دانشگاه عجمان؛

استاد مؤسسه توسعه مدیریت شارقه؛

مدرس امور تجاری وزارت تعلیم و تربیت دبی؛

مدیر دانشگاه قدس آزاد شعبه امارات در ماه های تابستان؛

مشاور دوره های پرورش بین وزارت علوم و وزارت کار در دبی؛

۱-۴-۲) کار و تدریس در کشورها: امارات متحده عربی، مصر، عربستان سعودی

و لیبی؛

۱-۴-۳) کتب و مقالات علمی: در موضوع مدیریت، بازرگانی، برنامه ریزی و

کامپیوتر.

۴-۴-۱) **نقد مؤلف:** با توجه به رزومه علمی مؤلف، به نظر می‌رسد در رابطه با قرآن کریم و تفسیر آن کمتر کار کرده باشد و این مطلب از نپرداختن و اشاره نکردن او به مباحث قرآنی به دست می‌آید که در نقد محتوایی بررسی می‌گردد.

۲) نقد و بررسی نقاط قوت و ضعف ساختاری

همانطور که در توصیف کلی کتاب بیان گردید، کتاب ساختار خاص خود را دارد که نویسنده محترم آن را در مقدمه کتاب بیان کرده است. اما به نظر می‌رسد کتاب دارای نقاط قوت و ضعف ساختاری باشد که خلاصه وار بیان می‌گردد.

۲-۱) بیان نقاط قوت ساختاری

۲-۱-۱) **ساختار کتاب:** پرداختن و بحث روی وظایف اصلی چهارگانه مدیران به علاوه وظیفه تصمیم‌گیری مدیران؛

۲-۱-۲) **خلاصه و پیشنهاد:** مؤلف در آخر کتاب از ص: ۲۸۹ الی ۳۵۰ خلاصه‌ای از مباحث کتاب را یادآور گردیده است که از نقاط خیلی خوب کتاب به حساب می‌رود؛

۲-۱-۳) **توصیه و پیشنهادها:** نویسنده محترم ضمن دو صفحه در آخر کتاب توصیه و پیشنهادهایی را برای تکمیل مباحث مدیریت قرآنی ارائه کرده است؛

۲-۱-۴) **منابع:** استفاده از منابع اصلی در بخش قرآن و کتاب‌های حدیثی که از صحاح تسعه اهل سنت بیشترین استفاده‌ها را نموده و همچنین در ترتیب چینش منابع که اول قرآن و سنت و بعد کتابهای اسلامی و منابع اجنبی که ترجمه شده است و در آخر منابعی که بحث را کمک کرده اند مانند مقالات و کتب غیر مدیریتی آورده است؛

۲-۱-۵) **فهرست آیات و روایات:** فهرست آیات استفاده شده در آخر کتاب به ترتیب و تقسیم سوره‌های قرآن کریم بیان شده و در فهرست احادیث هم به ترتیب الفبایی استفاده شده است.

۲-۲) بیان نقاط ضعف ساختاری

۲-۲-۱) عدم تناسب بخشها و فصل های کتاب: بخش ها و فصل های کتاب از جهت حجم با هم هماهنگ نیستند، البته این ناهماهنگی بیشتر در فصل ها مشاهده می شود تا بخش ها. مثلاً در بخش چهارم فصل اول از صفحه ۱۸۹ الی ۱۹۳ را تشکیل داده است (یعنی ۴ صفحه) در صورتی که فصل دوم همین بخش از صفحه ۱۹۴ تا صفحه ۲۲۰ را به خود اختصاص داده است (یعنی ۲۶ صفحه) که پنج برابر بیشتر از فصل اول این بخش را شامل می شود؛

۲-۲-۲) عدم استفاده از جداول و نمودارها: در کتاب به جز چند مورد مانند: عناصر مدیریت (ص: ۵۰) که آن هم جدول کامل به نظر نمی آید، سطوح مدیران (ص: ۱۴۹-۱۵۲) دیگر از جدول استفاده نشده است، که می توانست در بخش علمی مباحث از جداول گوناگون استفاده نماید؛

۲-۲-۳) تقدم و تأخر مباحث: مثلاً وظایف اصلی مدیران را چهار وظیفه برنامه-ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل دانسته و در مقدمه هم بیشتر تأکید بر این وظایف دارد، اما ناگهان وظیفه تصمیم گیری را بحث نموده و مدعی می شود که تصمیم گیری در همه وظایف مدیریت انجام می شود.

۳) نقد و بررسی نقاط قوت و ضعف روشی

روش کتاب آنگونه که مؤلف محترم اشاره کرده است به صورت تطبیقی بوده و با اخذ عناوین و موضوعات مدیریت از علم مدیریت نوین و آوردن دلیل و نمونه قرآنی برای آن می باشد. بنابراین روش کتاب، روش تطبیقی و از تحقیقات کیفی و توسعه ای به شمار می آید.

کتاب حاضر دارای نقاط قوت و ضعف روشی می باشد که به صورت خلاصه بیان می گردد.

۱-۳) بیان نقاط قوت روشی

۳-۱-۱) بیان روش: از جمله نقاط قوت کتاب بیان روش آن است که با آوردن مباحث علمی و به دست آوردن نمونه آن از قرآن و اشاره و تأکید بر این نکته که قرآن کریم ۱۴۰۰ سال قبل به این نکته مدیریتی اشاره کرده است می باشد.

۳-۱-۲) درآمد: از دیگر نقاط قوت کتاب آوردن درآمد خوبی برای ضرورت و اهمیت مدیریت اسلامی با بیان مسئله و شرح خلاصه فهرست کتاب در مقدمه آن می باشد.

۳-۲) بیان نقاط ضعف روشی

۳-۲-۱) روش کتاب: به نظر می رسد بهتر بود اصول مدیریت از خود قرآن و سنت استخراج می شد تا شیوه تطبیقی.

۴) نقد و بررسی نقاط قوت و ضعف محتوایی کتاب

به نظر ناقد بیشترین مطلب در رابطه با کتاب در مرحله نقد و بررسی محتوایی کتاب می باشد که نیاز به بررسی بیشتر دارد. در ذیل به بررسی نقاط قوت و ضعف محتوایی کتاب پرداخته می شود.

۴-۱) بیان نقاط قوت محتوایی

۴-۱-۱) تطابق عنوان کتاب با محتوا: خارج نشدن از موضوع اصلی در لابلای باب‌ها و فصل‌های کتاب از جمله مهمترین نقاط قوت محتوایی می باشد که نویسنده محترم آن را رعایت نموده است؛

۴-۱-۲) درآمد: آوردن درآمد در دو قسمت مفاهیم و مدیریت در طول زمان و ماهیت و مفهوم مدیریت قبل از بخش‌ها و فصول کتاب.

۲-۴) بیان نقاط ضعف محتوایی

کتاب حاضر از نظر نقاط ضعف محتوایی قابل تأمل بیشتر می باشد و از جمله علت های آن شاید بتوان گفت عدم بیان و تفسیر بیشتر آیات می باشد که پس از نقد کلی محتوایی به نقد نمونه آیات استدلال شده پرداخته می شود.

۲-۴-۱) عدم استفاده از اصطلاحات علمی و لاتین کلمات و واژه های علمی

مدیریت: در کل کتاب با اینکه ترجمه اصطلاحات علمی مدیریت را از کتب ترجمه شده مدیریت آورده ولی حتی یک نمونه هم اصطلاح علمی و لاتین مدیریتی ذکر نشده است. و این باعث در خطا افتادن خوانندگان کتاب می شود.

نقد مثال اول: تصمیم گیری حضرت موسی(ع)

۱. مراجعه نکردن به هیچ یک از تفاسیر قرآن و مطلق گویی نسبت به قرآن.

۲. بررسی نکردن آیه مورد اشاره با دیگر آیات همخوان در قصه حضرت موسی(ع) که با کمی تفاوت در قرآن ذکر شده اند. مانند: «فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَتَقُولُوا مَا آتَيْتُمْ مَلَائِكَةَ آلِ قَارُونَ أَنَّهُمْ جَاءُوا بِآيَاتِنَا كَذِبًا مُّبِينًا فَتَوَلَّى مُوسَى الَّذِينَ آمَنُوا وَآوَىٰ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (یونس/۸۰-۸۱) «و هنگامی که ساحران (به میدان مبارزه) آمدند، موسی به آنان گفت: «آنچه را شما (از وسایل سحر می توانید) بیفکنید، بیندازید!» و هنگامی که افکندند، موسی گفت: «آنچه (شما) آن را آوردید، سحر است [چرا] که خدا بزودی آن را باطل می کند [زیرا] که خدا کار فسادگران را اصلاح نمی کند»؛

در این آیه اشاره ای از پیشنهاد سحره راجع به انداختن آنچه نزد موسی(ع) در ابتدا نشده است و به صورت مستقیم سخن موسی(ع) است که از سحره درخواست انداختن آنچه را دارند، می کند و بدیلی در کار نبوده است.

و یا قرآن در جای دیگر می فرماید: «قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَٰئَ مَنْ أَتَيْتَ قَالَ بَلْ أَتَىٰ قَوْمًا فَاذًا حِبَالَهُمْ وَعَصِيْبُهُمْ يُخَاطَبُونَ وَإِنَّهُمْ لَشَاكِرُونَ» (طه/۶۵-۶۶) «(ساحران) گفتند: «ای موسی! یا اینکه (تو اول عصایت را) می افکنی، و یا اینکه (ما

نخستین کسی باشیم که می‌اندازیم؟!» (موسی) گفت: «بلکه (شما) بیفکنید.» و ناگهان ریسمان‌هایشان و عصاهای آنان بر اثر سحرشان در خیال او (چنان) می‌نمود، که آنها در جنب و جوشند!»

در این آیه هم خود سحره پیشنهاد اول انداختن را کرده اند.

همچنین در مورد دیگر قرآن کریم می‌فرماید: «قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ قَالَ لَهُ لَأَمُّ مُوسَى أَتَقْوَى مَا أَنتُمْ مُلْقُونَ فَالْقَوَى حِبَالُهُ لَأَمُّ وَ عَصِيْبُهُمْ وَ قَالُوا بَعِزَّةٌ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَلْبِيُّونَ» (شعراء/۴۲-۴۴) « (فرعون) گفت: «آری، و در آن صورت مسلماً شما از نزدیکان (من) خواهید شد.» موسی به آن (ساحر) ان گفت: «آنچه را شما (از وسایل سحر می‌توانید) بیفکنید، بیندازید!» و ریسمان‌هایشان و عصاهایشان را افکندند و گفتند: «به عزت فرعون سوگند، که قطعاً تنها ما پیروزیم!»».

در این نمونه هم پیشنهاد از طرف حضرت موسی شده و اشاره ای از پیشنهاد و وجود چند بدیل نشده است.

اینچنین قرآن کریم در موارد دیگر می‌فرماید: «وَ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ» (اعراف/۱۱۷) «و به موسی وحی کردیم که:» عصایت را بیفکن. «و ناگهان آن (عصا) اژدها شد و آن چه را به دروغ می‌ساختند، بلعید!».

«وَ أَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفُ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَ لَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى» (طه/۶۹) « و آنچه را در دست راست هست بیفکن، تا آنچه را با زیرکی ساخته‌اند به سرعت ببلعد در حقیقت آنچه را با زیرکی ساخته‌اند، نیرنگ جادوگر است و ساحر هر کجا آید رستگار (و پیروز) نخواهد شد.»

«فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ» (شعراء/۴۵) «(فرعون) گفت: «آری، و

در آن صورت مسلماً شما از نزدیکان (من) خواهید شد.»

در این آیات نیز که به همین داستان پرداخته شده است، مشاهده می‌شود که پیشنهاد انداختن عصا از طرف خداوند به حضرت موسی (ع) شده است، بدون اشاره به دو و یا بیشتر بدیل که ایشان اخذ تصمیم‌گیری را از میان آنها می‌داند.

۳. عدم لحاظ سیاق و صدر و ذیل آیه؛

۴. به نظر می‌رسد این دلیل کافی نیست زیرا مؤلف مراحل و فرایند تصمیم‌گیری را در علم مدیریت در نظر نگرفته است که این نمونه با فرایند تصمیم‌گیری که مواجهه با مشکل، جمع‌آوری اطلاعات، بررسی اطلاعات و اخذ تصمیم برگزیده از میان آنها را شامل نمی‌شود که حد اقل راه رسیدن به تصمیم‌گیری می‌باشد.

نقد مثال دوم: تصمیم‌گیری حضرت سلیمان(ع)

۵. نپرداختن به همه داستان و عدم ذکر آیات به صورت کامل که مواجهه با مشکل از آیات قبل به دست می‌آید و این قدرت نمایی حضرت سلیمان برای دیگر اهداف بوده که پیشنهاد انتقال تخت ملکه سبأ را می‌کند؛

۶. هدف را در این داستان سرعت انتقال تخت دانسته و هیچ دلیلی از تفاسیر در این رابطه نیآورده است در صورتی که شاید هدف بی‌عیب و نقص و سالم رساندن آن تخت از مکان دور باشد که داشتن قدرت بیشتر را شامل می‌شود، چنانکه ادامه آیات با آمدن و مشاهده تخت توسط ملکه سبأ به آن اشاره دارند «فَلَمَّا رَأَتْهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌ كَرِيمٌ قَالَ نَكُرُوا لَهُ ءَأَعْرُشَهُ ءَأَنظُرُ أَمْ لَاتَدْرِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَ هَآكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأَوْتِنَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ» (سبأ/۴۲-۴۴) و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزدش ثابت دید گفت: «این از بخشش پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا سپاسگزاری می‌کنم یا ناسپاسی می‌نمایم؟! و هر کس سپاسگزاری کند، پس فقط به سود خودش سپاسگزاری می‌کند، و هر کس ناسپاسی کند پس (زیانی به خدا نمی‌رساند چرا) که پروردگار من، توانگری ارجمند است.» (سلیمان) گفت: «تخت او را برایش ناشناس سازید تا ببینیم آیا رهنمون می‌شود، یا از کسانی است که رهنمون نخواهند شد؟!» و هنگامی که (ملکه) آمد، (به او) گفته

شد: «آیا تخت تو اینگونه است؟» گفت: «چنانکه گویی این، آن است! و پیش از این به ما دانش داده شد و تسلیم شده بودیم.»»

۷. اگر قرار تصمیم‌گیری بر اخذ از میان چند بدیل باشد چرا اشاره به اخذ تصمیم بر عذاب همد که در ابتدای داستان ذکر شده است نشده است، در صورتی که آنجا نیز چند بدیل وجود داشت. قرآن کریم می‌فرماید: «وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ لَأُعَذِّبُهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحُنَّهُ أَوْ لِيَأْتِنِي رَسُولًا مِّنْ رَبِّي إِنِّي كَانُ مِنَ الْغَائِبِينَ» (نمل/۲۱) «و (سلیمان) در جستجوی پرنده [هُدْهُد] برآمد و گفت: «مرا چه شده که هُدْهُد را نمی‌بینم، بلکه آیا از غایبان است؟! قطعاً او را با عذاب شدیدی عذاب خواهم کرد، یا حتماً او را سرمی‌برم، یا باید (برای غیبتش) دلیل آشکاری برایم بیاورد!»».

نقد نمونه اول از آیات برنامه‌ریزی

۸. تقطیع آیه از آیات قبل و بعد که در سلسله مباحث جهاد علیه دشمنان آمده است. آیات قبل که برای برنامه‌ریزی در جنگ است، مناسب برای استفاده می‌باشد مانند: «فَمَا تَتَّقَنَّهُ لَمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرُّ بِهِمْ مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ» (انفال/۵۷) «و اگر در جنگ آنان را یافتی، پس (با حمله) به آنان، کسانی را که پشت سرشان هستند، تار و مار کن باشد که آنان متذکر شوند». و یا آیه بعد که برای برنامه‌ریزی استراتژیک قابل استفاده است که می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال/۶۱) «و اگر (دشمنان) به صلح متمایل شوند، پس (تو نیز) بدان گرای و بر خدا توکل کن! [چرا] که در حقیقت تنها او شنوا [و] داناست»؛

۹. تقطیع آیه از ادامه‌اش که بازهم قابل استفاده برای برنامه‌ریزی اقتصادی است، می‌فرماید: «... وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (بقره/۲۷۲) «... و هر چه در راه خدا مصرف می‌کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، در حالی که به شما ستم نخواهد شد.»

۱- شرح و تفسیر نکردن کلمات کلیدی آیه که خود به غنای تفسیر برنامه ریزی می افزاید مانند: «أَعِدُّوا» الإعداد به معنای آمادگی قبل از واقع شدن کاری (حسینی شیرازی، تقریب القرآن إلى الأذهان، ۱۴۲۴ ق: ج ۲ ص ۳۵۲). و اینکه بیشترین تلاشمان را به کار گرفته و و نفس و جانمان را برای دستیابی در راه رسیدن به آن به کار گریم (حجازی، التفسیر الواضح، ۱۴۱۳ ق: ج ۱ ص ۸۴).

۲- «قُوَّة» یعنی اسباب و ابزار و کارهایی که شمارا برای جنگ با آنها از اسبان و سلاح و تیر اندازی و مثل آنها، از جمله جمع کردن مال برای آمادگی برای جهاد می- باشد (مظهری، التفسیر المظهری، ۱۴۱۲ ق: ج ۴ ص ۱۰۷). از پیامبر (ص) نقل شده است که در تفسیر آیه آنرا به تیراندازی تفسیر کرده اند: «أَبِي عَلِيٍّ ثُمَامَةَ بْنِ شُفَىٍّ أَنَّهُ سَمِعَ عَبَّةَ بْنَ عَامِرٍ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- وَهُوَ عَلَى الْمَنْبَرِ يَقُولُ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ أَلَا إِنَّ الْقُوَّةَ الرَّمِيَّ» (مسلم القشیری النیسابوری، الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم ج: ۵ ص: ۵۲ حدیث: ۵۰۵۵). «رَبَّاطِ الْخَيْلِ» (الرباط) در اصل مصدر ربط، یعنی محکم می باشد و بیشترین استفاده آن در رابطه با اسبهای آماده برای جنگ در راه خدا به کار می رود (قاسمی، محاسن التاویل، ۱۴۱۸ ق: ج ۵ ص ۳۱۵). «تُرْهُبُونَ» تعلیل «اعدوا» است یعنی با این آمادگی دشمنان معلوم و غیر معلوم را می ترسانید، دشمن پیش از آنکه حمله را آغاز کند نیروی طرف را ارزیابی می کند اگر به این نتیجه رسید که آمادگی و زور طرف بیشتر است از حمله منصرف می شود، لذا این آمادگی سبب ترس دشمن و سبب عدم بروز جنگ خواهد بود، چنان که در حال حاضر موازنه قوا در میان ابر قدرتها سبب عدم بروز جنگ شده است (قرشی، تفسیر أحسن الحدیث، ۱۳۷۷ ش: ج ۴ ص ۱۵۹).

نقد نمونه دوم از آیات برنامه ریزی در قرآن

۱۰. قطع آیات از آیات ابتدایی داستان و اشاره نکردن خود آیات قبل که با آیات مذکور ارتباط عمیق دارند که بدون در نظر گرفتن آیات قبل استفاده از دو آیه مذکور،

هدف آیات را نمی‌رساند. به خصوص اشاره قرآن به خواب فرعون که ذکر آن ضرورت دارد و ارتباط دادن بین الفاظ آن خواب که عدد هفت گندم و گاف لاغر و چاق است با هفت سال پرحاصل و هفت سال بی حاصل؛

۱۱. اشاره نکردن به برنامه‌ریزی بلند مدت و استراتژیک در آیه که دو هفت سال و یک یکسال را در بر می‌گیرد و از طرف مدیر ارشد برای تمام سازمان برنامه ریزی می‌شود.

۱۲. در بر گرفتن تمامی جوانب و مراحل برنامه‌ریزی استراتژیک در آیه از قبیل: سیاست گذاران سازمان، بیانیه چشم انداز، بیانیه مأموریت، هدف‌گذاری، آینده نگری، مدل TOWS در آیه (محیط داخلی: نقاط قوت و نقاط ضعف. محیط بیرونی: فرصت‌ها و تهدیدها) (دیوید، مدیریت استراتژیک ۱۳۹۲: ص ۱۵۶).

۱۳. عدم اشاره به تأکیدات قرآن مبنی بر عدد هفت که از زبان فرعون، دوست حضرت یوسف و خود حضرت یوسف (ع) آمده است و آن دلالت بر برنامه ریزی بلند مدت دارد.

نقد و بررسی نمونه سوم از آیات برنامه ریزی در قرآن

۱۴. قطع ادامه آیه که قابل استفاده در برنامه‌ریزی است، می‌فرماید: «... وَأَحْسِنِ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص/ ۷۷) «... و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده (به مردم) نیکی کن و در زمین فساد مجوی [چرا] که خدا فسادگران را دوست ندارد.»

۱۵. در باره برنامه ریزی بلند مدت تا به حال حرفی و نظر علم را اشاره نشده بود و ابتدای به ساکن این آیه را اشاره نموده که از آیه قبلی بیشتر می‌توانست برنامه ریزی بلند مدت را استفاده نماید.

۵- پیشنهادها

۵-۱) پیشنهادهای ساختاری

۵-۱-۱) **تصمیم‌گیری:** در قرار دادن وظیفه تصمیم‌گیری که آن را قبل از همه وظایف مدیریت قرار داده است، حد اقل می‌توان گفت، وظیفه تصمیم‌گیری در این کتاب در آخر بحث شود چون تأکید نگارنده در ابتدا روی وظایف چهارگانه مدیریت است.

پیشنهاد مثال در تصمیم‌گیری از منظر قرآن کریم

به نظر می‌رسد بهترین مثالی که در زمینه تصمیم‌گیری از منظر قرآن کریم می‌توان اشاره کرد، در داستان ملکه سبأ است که فرایند و مراحل تصمیم‌گیری که علم مدیریت نیز آن را پذیرفته است، لحاظ شده است، مورد اشاره قرار گیرد.

در قرآن کریم می‌توانیم این مراحل را از تصمیم‌گیری «ملکه سبأ» از هنگام مواجه قرار گرفتن با نامه حضرت سلیمان(ع) به دست آوریم. چنانچه در این مورد قرآن کریم ذیل آیات ۲۹-۳۵ سوره نمل به تصمیم‌های ملکه پرداخته است.

ملکه سبأ بعد از دریافت نامه حضرت سلیمان(ع) در مرحله اول به بیان مسئله پرداخته چنین می‌گوید: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ» (نمل/۲۹) «(ملکه سبأ) گفت: ای اشراف! در واقع من نامه ارجمندی به سویم افکنده شده است».

بعد از آن به مرحله دوم رفته و به بیان و تعریف مسئله پرداخته و در حقیقت مسئله شناسی کرده چنین می‌گوید: «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ» (نمل/۳۱-۳۰) «در حقیقت آن (نامه) از سلیمان است، و آن (نوشته، چنین است) که: به نام خدای گسترده مهر مهرورز بر من برتری جویی نکنید، و تسلیم شده، نزد من آید».

در مرحله سوم ملکه به دنبال راه حل گشته و چنین می‌گوید: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُون» (نمل/۳۲) «(ملکه) گفت: ای اشراف به من در مورد کارم پاسخ دهید، که در مورد هیچ کاری (تصمیم خود را) قطعی نکرده‌ام، تا اینکه [نزد من] حاضر شوید».

در مرحله چهارم ملکه به راه‌های پیشنهادی که از طرف زمامداران و کارکنان او عرضه شده بود گوش فرا می‌دهد. آنها پیشنهاد اینچنینی به او نمودند: «قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَ أَوْلُوا بِأَسِّ شَدِيدٍ وَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ» (نمل/۳۳) «(اشراف) گفتند: ما قدرتمند و سخت نیرومند (و جنگ آور) هستیم، و [لی اختیار] کار با توست پس بین چه فرمان می‌دهی؟»

ملکه با شنیدن پیشنهادات آنها و آنچه که در ذهن خودش داشت، به سنجش راه‌ها پرداخته در مرحله پنجم چنین بیان می‌دارد: «قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعِزَّةً أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (نمل/۳۴) «(ملکه) گفت: براستی که سلطان‌ها هنگامی که وارد آبادی می‌شوند آن را تباه می‌کنند، و عزیزان اهلس را خوار می‌گردانند، و اینچنین می‌کنند.»

بعد از سنجش و بررسی راه‌حل‌ها ملکه در مرحله ششم بهترین راه را گزینش و برای تصمیم‌گیری انتخاب نموده (حسین اف، اصول مدیریت از دیدگاه قرآن کریم ۱۳۸۶: صص: ۶۸-۶۹)، و تصمیم خودش را چنین بیان می‌دارد: «وَ إِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ» (نمل/۳۵) «و در واقع من هدیه‌ای به سوی آنان می‌فرستم، پس بنگرم که فرستادگان با چه چیزی باز می‌گردند.»

پیشنهاد نمونه آیات در زمینه مشورت در تصمیم‌گیری

۱- توصیه قرآن به والدین جهت شور و مشورت برای جدا نمودن فرزند از شیر مادر: «...فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا...» (بقره/۲۳۳) «...و اگر آن دو، با رضایت و مشورت یکدیگر، بخواهند [کودک را زودتر] از شیر باز گیرند، پس هیچ گناهی بر آن دو نیست...».

۲- مشورت برادران حضرت یوسف(ع) برای تصمیم‌گیری مبنی بر آزاد کردن برادر کوچکشان «بنیامین» بدین صورت که در کناری به دور از یوسف(ع) و کارگزارانش، برای چاره‌اندیشی در باره مشکل پیش آمده به مشورت و گفتگوی

محرمانه پرداختند (هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۷۸: ج ۸ ص: ۵۲۱). «فَلَمَّا اسْتَيْسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ...» (یوسف/۸۰) «و هنگامی که (برادران) از او ناامید شدند، رازگویان خلوت کردند، (و برادر) بزرگشان گفت:...».

مطالب تکمیلی در رابطه با مشورت

محدوده مشورت

از نظر اسلام مطالبی می‌توانند در شورا مورد بحث و شور قرار گرفته، نسبت به آنها اخذ تصمیم شود که خلاف دستورهای الهی نباشد و وجوب و حرمتشان ثابت نشده باشد. چون اگر در مورد حکمی دستور صریح از جانب شریعت آمده باشد، دیگر کسی حق دخالت در آن را ندارد. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» (احزاب/۳۶) «و هیچ (حقی) برای مرد با ایمان و زن با ایمان نیست، که هنگامی که خدا و فرستاده‌اش (حکم) چیزی را تمام کنند، در کارشان اختیاری داشته باشند و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی نماید، پس حتماً به گمراهی آشکاری گمراه شده است.»

اوصاف اثباتی مشاوران

داشتن عقل و علم و تجربه

چنانچه در این زمینه از زبان حضرت یوسف (ع) در آن هنگام که به عنوان مشاور قرار گرفت، یکی از صفات مشاور را داشتن علم دانست که خودش هم از آن بهره‌مند بود. قرآن کریم می‌فرماید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف/۵۵) «(یوسف) گفت: مرا بر منابع (اقتصادی) این سرزمین بگمار [چرا] که نگهبانی دانایم.»

صدیق و راز دار بودن، دوراندیشی و پختگی، مهربانی و دلسوزی، حلم و

بردباری

برای مشورت و تصمیم‌گیری و گفتن حوادث، مدیر بایستی با افراد مهربان، دلسوز، خبره و اهل تفسیر و تحلیل؛ مشورت نماید (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳ ش: ج ۹

ص: ۳۹). چنانچه حضرت موسی(ع) با «شعیب»(ع) که فردی دلسوز بود مشورت نمود. «فَلَمَّا جَاءَهُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»(قصص/۲۵) و هنگامی که (موسی) نزد او [شعیب] آمد و حکایت‌ها را برای او حکایت کرد، گفت: نترس که از گروه ستمکاران نجات یافتی».

صالح بودن:

قرآن کریم در زمینه صالح بودن مشاور از زبان شعیب(ع) که در حال مشورت دادن به حضرت موسی(ع) بود، خودش و صفات مشاور را صالح بودن دانست. «...و ما أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ»(قصص/۲۷) «...و نمی‌خواهم که بر تو سخت‌گیری کنم اگر خدا بخواهد، بزودی مرا از شایستگان خواهی یافت».

نتیجه

مصدر بودن قرآن کریم در همه امور زندگی انسان به ویژه در نحوه اداره زندگی او مورد تأکید قرآن است. در این رابطه مؤلفه‌های زیادی وجود دارد که بتوانیم از این سفره الهی بهره‌مند شویم. برای استفاده از این نعمت جاودان لازم است دانش‌های مفید و کارآمد را مورد بررسی قرار دهیم. در این راستا کتب زیادی نگاشته شده است که با توجه به اهمیت موضوع از نظر ارزش بودن قرآن کریم، لازم است مورد تحقیق و تدقق قرار گیرد.

کتاب اصول الادارة من القرآن و السنة در رابطه با نحوه اداره کردن از نظر قرآن کریم است که قسمت آیات دو بخش اول این کتاب مورد ارزیابی و نقد و بررسی قرار گرفت. این کتاب با داشتن امتیازات فراوان ضرورت دارد تا بیشتر مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. در همین راستا، ناقد در پنج مرحله کتاب را مورد ارزیابی قرار داده و تکیه بر نقد درون متنی داشته است. شش مورد از نمونه‌های کتاب آورده شده و نقد درون متنی و برون متنی آنها بیان گردید. برای تکمیل بحث، نمونه‌های دیگری پیشنهاد گردید که مفید خواهد بود.

منابع

- ۳- قرآن کریم، ترجمه رضایی اصفهانی محمدعلی و همکاران، ناشر: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، مکان چاپ: قم، نوبت چاپ: اول. سال چاپ: ۱۳۸۳ ش.
- ۴- أبو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیسابوری، **الجامع الصحیح المسمی صحیح مسلم**. ناشر: دار الجیل بیروت و دار الأفاق الجدیده - بیروت.
- ۵- اکبر، هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن؛ **تفسیر راهنما**. نشر: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی. نوبت چاپ اول: بهار ۱۳۷۸.
- ۶- جمیل جودت ابوالعینین؛ **اصول الاداره من القرآن و السنه**، چاپ و انتشار: دارالبهار؛ دار و مکتبه الهلال، چاپ اول لبنان، بیروت ۲۰۰۲.
- ۷- حجازی، محمد محمود؛ **التفسیر الواضح**. ناشر: دار الجیل الجدید. مکان چاپ: بیروت. نوبت چاپ: دهم. سال چاپ: ۱۴۱۳ ق.
- ۸- حسین اف، صفرماد؛ **اصول مدیریت از دیدگاه قرآن کریم** (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی (ص) العالمیه مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) اسفند ۱۳۸۶ ش.
- ۹- حسینی شیرازی، سید محمد؛ **تقریب القرآن إلى الأذهان**. ناشر: دار العلوم. مکان چاپ: بیروت. نوبت چاپ: اول سال چاپ: ۱۴۲۴ ق.
- ۱۰- دیوید، فرد آر. **مدیریت استراتژیک**. ترجمه دکتر علی پارسائیان و دکتر سیدمحمد اعرابی. تهران. دفتر پژوهشهای فرهنگی. چاپ: شریف. چاپ بیست و هفتم ۱۳۹۲.
- ۱۱- قاسمی، محمد جمال الدین؛ **محاسن التاویل. تحقیق: محمد باسل عیون السود ناشر: دار الکتب العلمیه**. مکان چاپ: بیروت. نوبت چاپ: اول. سال چاپ: ۱۴۱۸ ق.

- ۱۲- قرشی، سید علی اکبر؛ تفسیر أحسن الحدیث، ناشر: بنیاد بعثت. مکان چاپ: تهران. نوبت چاپ: سوم سال چاپ: ۱۳۷۷ ش.
- ۱۳- محسن، قرائتی؛ تفسیر نور. مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، نوبت چاپ: یازدهم مکان چاپ: تهران؛ سال چاپ: ۱۳۸۳ ش.
- ۱۴- مظہری، محمد ثناء اللہ؛ التفسیر المظہری. ناشر: مکتبہ رشدیہ. مکان چاپ: پاکستان. سال چاپ: ۱۴۱۲ ق.

